

گفتاری کوتاه درباره «آیین میترا»

در ستایش اگنی

۱ - در شعاع نور، نیروی بزرگی نهفته است، ستایش اگنی را بسرایید،
ستایش آن خدا را.

آن که مردم او را مانند «میترا» با ستایش‌های خویش در بالاترین مقام
جای داده‌اند. ریگ ودا - «ماندالای پنجم - سرود ۱۶»

نخستین زیست‌گاه مردمان آریایی را، سرزمین گسترده‌ای در شمال ناحیه‌ای میان
دریاچه اورال و دریای سیاه ثبت کرده‌اند. این مردمان در میهن یگانه خویش (ایرانویچ)
برخی به کوچ‌نشینی و برخی به ماندگاری روزگار می‌گذرانیده‌اند، و از دیرباز به آیین‌ها و
اسطوره‌های همانند باور داشته‌اند و رسم‌ها و نیایش‌های یگانه‌ای را به جای می‌آورده‌اند،
و آنگونه که در تاریخ آمده است، آریایی‌ها نخستین مردمانی بوده‌اند که اسب را رام
کرده‌اند و چرخ و گردونه را اختراع؛ و این رویداد (آسان‌تر شدن در رفت و آمد، آورد و برد،
جنگ و گریز و داد و ستدهای اقتصادی و فرهنگی) این مردمان را در پایه‌ای از فرگشت قرار
داده است که گذشته از نقش ارزشمندی که در پیدایش و گسترش ساختارهای شهرنشینی
در فلات ایران و سرزمین هند داشته‌اند، بر روند گسترش و باروری ساختارهای شهرنشینی
دیگر نیز - به گونه‌های مستقیم و غیرمستقیم - تاثیر گذاشته‌اند. نیز - چه به گونه‌های خود
خواسته و چه به گونه‌های ناخودخواسته - در گذرگاه‌های تاریخی، با نگاهداری هسته‌های
راستین فرهنگ دیرپا و اندیشه پویای خود، از فرهنگ‌های دیگر نیز توشه برداشته‌اند.

این مردمان آریایی را «هند و اروپایی» و مردمانی را که در دوران‌های پیش از تاریخ،
میهن یگانه خویش را ترک گفته‌اند و برخی به فلات گسترده ایران و برخی به سرزمین هند

روی آورده‌اند را «هند و ایرانی» نامگذاری کرده‌اند. تا آنجا که از پژوهش در نوشته‌های آیینی و اسطوره‌های نخستین و باورهای این مردمان به دست می‌آید، کوچ کردن آریایی‌ها و جدا شدن آنها از یکدیگر علت‌های گوناگونی داشته است، که یکی در پیوند با انبوه شدن مردمان و نیاز به فضاها و چراگاه‌های گسترده‌تر بوده است و دیگری آنگونه که در افسانهٔ جم یا جمشید («یم» در اوتها، «یمه» در وداها) آمده است در پیوند با آلوده شدن فرمانروای سرزمین آریایی‌ها به گناه دروغ، و گسیختن فرهٔ ایزدی از اوست، که به پادافره این گناه، سرمای سخت و ویرانگری به سرزمین آریایی‌ها یورش می‌آورد، که این فرایند به زبان اسطوره، تازش اهریمن به سرزمین آریایی‌ها در شمار آمده است. هرچند که به نشانه‌هایی از گونه‌گونی در برداشت از باورهایی آیینی در میان مردمان آریایی برمی‌خوریم، که آن نیز در جدا شدن این مردمان از همدیگر اثرگذار بوده است.

این مردمان هنگامی که از یکدیگر جدا شده‌اند، باورها، اسطوره‌ها، شیوه‌های نیایش و ایزدان خویش را به سرزمین‌های تازه برده‌اند و درگذر زمان و گونه‌گونی در شیوه‌های زندگی و نیز بودن در سرزمین‌های جداگانه، شماری از باورها و اسطوره‌هاشان دچار دگرگونی شده است، و شماری دیگر نزدیک به همانند؛ در فرهنگ‌های آریایی برجای مانده‌اند. برای نمونه یکی از اندیشه‌هایی که در پیوند با پیش از جدایی مردمان آریایی بوده است، باورداشتن به اصل «آرته» است که نیرو یا قانونی برآورد می‌شود که نگاهبان و نظم‌دهندهٔ برپیوندها و پویش‌هایی است که در تمام هستی نمودهای پیدا و پنهان دارند و آشکار است که جامعه‌های انسانی نیز در پیوند با این قانون است که به تنش‌ها و فراز و فرودهای تاریخی دچار می‌شوند، و این قانون بسیار نزدیک به همان اندیشه‌ای است که امروزه مفهوم «قانونمندی‌های تاریخی» را دربر می‌گیرد. بسیاری اندیشه‌ها و باورهای همانند دیگر نیز وجود دارند مانند نیایش آتش و آیین نوشیدن افشرد هومه، که فرصت بسنده‌ای برای پرداختن به آنها در این نوشتار نیست، و تنها می‌توان به اشاره گفت که تمامی آنها نشان از خویشاوندی‌های دیرینه‌ای دارد و به‌روزگاری باز می‌گردد که مردمان آریایی در یک میهن می‌زیسته‌اند، باورهای یگانه‌ای داشته‌اند و دوستی و مهرشان بریک عهد و یک میثاق بوده است. اما از باورهای مهمی که این نوشتار در پیرامون آن آغاز می‌شود، در پیوند با ایزدمهر و پرستش این ایزد و یاری خواستن از اوست، که تمامی مردمان آریایی پیش از کوچ کردن و جدا شدن از یکدیگر به آن باور داشته‌اند و آیین‌های نیایش و ستایش روشنایی را به جای می‌آورده‌اند و پس از جدایی نیز «آیین پرستش میترا» با تفاوت‌های اندک میان این مردمان رواج داشته است و در آیین‌هایی که پس از «آیین مهر» به پیدایی آمده‌اند نیز تاثیرگذار بوده است.

مهر یا میترا (در اوستا: میثر) در فرهنگ ایران باستان دارای ویژگی‌های مهمی است که برخی از آنها اینگونه‌اند: ایزد خورشید، فرشته روشنایی، فرشته نگاهبان راستی و درستی، فرشته نگاهبان عهد و پیمان، فرشته‌ای که میان روشنایی جاوید و روشنایی پدید آمده در گستره آفرینش پیوند برقرار می‌کند. میترا دشمن دروغ، ناراستی، تاریکی و پیمان‌شکنی است؛ و پشتیبانی از راستی و درستی و در هم‌شکستن دروغ‌زنان، ناراستیان، ناپاکان و تاریک اندیشان و پیمان‌شکنان را برعهده دارد، و از همین‌روست که نماینده جنگاوری، بی‌باکی، دلیری و قهرمانی نیز به‌شمار می‌رود. به‌زبان اسطوره میترا دارای هزارچشم و ده‌هزار پاسبان است که این ویژگی‌ها بدین معناست که او هیچ‌گاه به‌خواب نمی‌رود، همه چیز را می‌بیند و می‌شنود، و بر تمام هستی‌ها و چگونگی‌ها آگاهی دارد. در آیین ستایش میترا، این ایزد در مرکز هستی قرار دارد و با توجه به ویژگی‌های اوست که درمی‌یابیم اندیشه آریایی، حتی پیش از آن که به‌دوران تاریخی گام بگذارد، دیدگاه فلسفی خود را - به‌گونه‌ای غیر انتزاعی - و در پیوندی همبسته، راستین و کارآ با هستی، بردو پایه روشنایی و تاریکی قرار داده است، و همین اندیشه است که سپس‌ها در آیین زرتشت گسترده‌تر می‌شود و در اسطوره‌ها، افسانه‌ها، داستان‌های حماسی، آیین و رسم‌های مردمی، دیدگاه‌های فلسفی، شعر، هستی‌شناختی، ادبیات، موسیقی، رقص، سوگ و سرور و دیگر پدیده‌هایی که با زندگی اجتماعی پیوند دارند، در تمام طول تاریخ سرزمین و مردم ایران امتداد می‌یابد و بربودن خود به‌گونه‌های مختلف آگاهی می‌دهد.

در ریگ ودا یک سرود ویژه میترا و خطاب به اوست و در شماری از سرودهای دیگر نیز نام او آمده است، که در بیشتر این سرودها نام او همراه با «وارونا» به‌گونه‌ای ترکیبی: «میترا-وارونا» اشارت رفته است، و این نشان می‌دهد که این دو ایزد در فرهنگ کهن مردمان هند کارکرد و جایگاه یگانه‌ای یافته‌اند و در اسطوره‌های هندی «وارونا» دارای بسیاری از ویژگی‌هایی است که «میترا» در فرهنگ ایرانی از آنها برخوردار است.

در اوستا یکی از سرودهای بلند و زیبا درباره اوست. این سرود یشت دهم از یشت هاست که «مهریشت» نام دارد. در این سرود ویژگی‌های مهر به‌گونه‌ای الکن به‌تصویر کشیده شده است، و بنا بر این سرود: مهردارنده دشت‌های گسترده است، برگردونه‌ای سوار است که چهار اسب سپید آن را پیش می‌برند. جایگاه او بر فراز البرزکوه است که هم از آنجای مردمان و سرزمین‌های آریایی را نگاهبانی می‌کند. و نکته بسیار مهم این است که در آیین مهر هیچ‌گونه امتیاز نابجا و نادرستی به‌هم‌باوران و همکیشان داده نمی‌شود. برای نموده به آیین یهود نگاه می‌کنیم که ستمکاری برناهمکیشان را روا می‌دارد و حتی رباگرفتن را (که پلیدترین بیدادگری اقتصادی است) از ناپه‌ودان شایسته می‌شمارد. اما در آیین مهر

دروغزنی و پیمان شکنی و ستمکاری و رفتار ناشایست با دشمنان آیین (دیوپرستان) نیز نکوهش می شود؛ و این خود نشان می دهد که از دیرباز در فرهنگ پویای ایرانی ارزش ها در هر حالتی جایگاه والای خود را داشته اند، و در این فرهنگ هیچگاه روا داشته نشده است که «ارزش» به پلیدی آلوده گردد، و ازین روست که باز بودن و فراگیر بودن اندیشه ایرانی را می توان یکی از رازهایی به شمار آورد که «آیین میترا» را بدون جنگ و به کارگیری زور، و براساس گزینش خودخواسته و آزادانه، در بخش پهناوری از جهان گذشته می گستراند، و آنگاه نیز که این آیین جای خود را به آیین مسیح می سپارد، گوهرها و عنصرهای آن، و نیز رسم ها و آیین های نیایش و اندیشه های فلسفی و هستی شناختی اش را در آیین مسیح به یادگار می گذارد.

نخستین و کهن ترین شناسه ای که نام میترا در آن آمده است، پیمان نامه ای است که میان قوم های «هیتی» و «میتانی» بسته شده است. این شناسه در ناحیه بغازگوی (پایتخت سرزمین هیتی ها) یافته شده است. پیمان نامه روی لوح هایی از خاک رس نوشته شده و زمان آن مربوط به چهارده قرن پیش از میلاد مسیح است. اما بیشترین شناسه هایی که پژوهشگران به آنها پرداخته اند و زمینه پژوهش درباره «آیین میترا» را فراهم می آورد، مهرکده هایی است که محل همایش و نیایش مهری دینان بوده است، ویرانه هایی ازین مهرکده ها در ایران وجود دارد، اما بیشترین مهرکده ها و تندیس های میترا در بخش های بسیار گسترده ای در سرزمین های اروپایی یافت شده که نشان از گستردگی آیین مهر در جهان گذشته دارد. برخی از پژوهشگران گسترش شگفت انگیز آیین میترا در اروپا را به پذیرش این آیین از سوی امپراطوری های رومی وابسته دانسته اند، اما به گمان می رسد که دلیل مهم تر برای گسترش آیین میترا و پذیرش آن از سوی مردمان اروپا در روزگار گذشته، از سویی جاذبه های رازورانه ای بوده است که در دوره های هفتگانه رهروی، انسان ها را هم با دانش و فرهنگ آشنا می ساخته و هم زمینه های بهتر زیستن، بهتر اندیشیدن و بهتر پیوند یافتن با هستی را در وجود آدمی شکوفا می کرده است. از سوی دیگر فلسفه روشن اندیشانه ای بوده است که هستی را گستره نبرد همیشگی میان نیروهای روشنایی و تاریکی در شمار می آورد و آشکار است که انسان نیز در این دستگاه اندیشه ای، وظیفه دارد که روشنایی های وجود خویش را بگستراند و زمینه های برانداختن تاریکی، در درون و بیرون را فراهم آورد.

مهرکده هایی که مهری دینان در آنها همایش داشته اند و به دانش اندوزی، ستایش و روشنایی و برگزاری نیایش های آیین می پرداخته اند، به شکل غار ساخته می شده است. به این دلیل که آیین مهر در شمار کهن ترین و یا یکی از کهن ترین آیین های رازورانه است، در

نخست؛ همایش مهری دینان در غارهای طبیعی برگزار می‌شده است، اما در گذر زمان و گسترش فرهنگ، و نیز به دلیل بسنده نبودن غارهای طبیعی، مهری دینان به ایجاد غارهای مصنوعی در کوهستان‌ها می‌پرداخته‌اند. این غارها و مهرکده‌ها به سمت مشرق ساخته می‌شده است تا نخستین فروغ خورشید در آنها بتابد، محل ساختن مهرکده‌ها به گونه‌ای انتخاب می‌شده است که در نزدیکی آن چشمه‌ای یا رودخانه‌ای وجود داشته باشد، و آنجا که چنین امکانی وجود نداشته است، در بیرون مهرکده آبدانی می‌ساخته‌اند که مراسم پادپایی‌های آیینی را - که یکی از مهم‌ترین رسم‌ها در آیین‌های ایرانی است - در آن به جای آورند. در اندرون مهرکده‌ها تندیس یا سنگ نگاره‌ای وجود داشته است که میترا را در کار قربانی کردن گاو نشان می‌دهد، این تندیس یا سنگ نگاره در انتهای مهرکده جای داشته و در برابر آن، در دوسوی مهرکده سکوی سنگی قرار داشته است که مهری دینان براساس مرتبه‌هایی که در آیین داشته‌اند بر آن می‌نشسته‌اند و کسانی که در نخستین مرحله ورود به آیین بوده‌اند، از نشستگان پذیرایی می‌کرده‌اند. خوراک آیینی مهری دینان عبارت بوده است از: نان + میوه + ماهی؛ در برخی از نشست‌ها افشره هومه نیز می‌نوشیده‌اند که مایعی بوده است برگرفته از گیاهی به همین نام، و اثر مست‌کننده و روان‌گردانی داشته است. اما در آیین مهر اروپایی، به جای این افشره شراب می‌نوشیده‌اند. دوره‌های هفتگانه‌ای که رهروان آیین مهر از آنها می‌گذشته‌اند به ترتیب بدینگونه بوده است: (۱ - کلاغ، ۲ - پوشیده، ۳ - سرباز، ۴ - شیرمرد، ۵ - پارسی، ۶ - خورشید، ۷ - پیر). رهروان آیین مهری در هر یک از این دوره‌ها، به گونه‌ای سازمان یافته، بخش‌هایی از دانش‌ها و راز و رمزهای آیینی را فرا می‌گرفته‌اند، که تا هنگام آموختن و ورزیده شدن در آن دانش‌ها و نیز گذشتن از آزمون‌های دشوار هر دوره، اجازه درآمدن به دوره دیگر را نمی‌یافته‌اند، و نیز هر یک از این دوره‌های هفتگانه از معنا، مفهوم و ارزش آیینی ویژه‌ای برخوردار بوده است که بر میزان دانش، فرهنگ و نیز توانایی‌ها و کارایی‌های تن و روان رهروان گواه بوده، و رهروان در هر دوره‌ای وظیفه‌ها و کارهایی را برعهده داشته‌اند. در آیین مهر بیش از هر چیز به دانش و خرد و آگاهی و هستی‌شناختی ارزش داده می‌شده است، و مهری دینان در هر روزگاری که می‌زیسته‌اند بردانش‌های زمان خویش آگاهی داشته‌اند و از روزگاران پنهان در شماره‌ها و واج‌ها، میان ایشان رواج داشته است، به موسیقی و رقص نیز دل‌بستگی داشته‌اند، که این دل‌بستگی‌ها در نوشته‌ها و سرودهای هنرمندان و دانشوران ایرانی دوره‌های بعد پدیدار است. ازین گذشته مهری دینان به «دانش‌های پنهانی» نیز می‌پرداخته‌اند و در پیش‌گویی و پیش‌بینی و پیش‌دانشی سرآمد روزگار بوده‌اند. افسانه جام‌جهان‌بین و نیز تأثیر ستاره‌ها بر سرنوشت آدمی از باورهای سنت که در پیوند با آیین مهر

بوجود آمده است.

تردیدى نیست که آیین زرتشت، آیین مانى (با تمام انتقادى که برآن وارد است)، آیین زروانى، و جنبش‌هاى اندیشه‌اى و اجتماعى و دادخواهانۀ مزدکیان، خرمدینان، اسماعیلیان و... به تمامى با آیین مهر وابسته‌اند و از سوى دیگر چکادهای سرافراخته‌اى که درگسترۀ فرهنگ و هنر ایرانى پدیدار گشته‌اند، مانند: شاهنامه فردوسى، دیوان حافظ، نوشته‌هاى شهاب سهروردى، سرودها و نوشته‌هاى ناصر خسرو قبادیانى، و مجموعۀ بى‌ماندى از سرود و سخن که به نام «عرفان ایرانى» شناخته شده است، و جملگى برستایش روشنائى، خرد، فرهنگ و اندیشه و نیز پیروزی راستى بر ناراستى اشارت دارند، پیوند گسست‌ناپذیرى با فرهنگ گسترده ایران زمین دارند که هسته‌هاى آغازین آن رابایسته است در «آیین مهر» جست و جو کنیم.

فروردین - ۷۴

کتاب‌های پایه:

- ۱ - اوستا ترجمه و تحقیق: هاشم رضی - سازمان انتشارات فروهر - چاپ اول - تیرماه ۱۳۶۳
- ۲ - اوستا نگارش جلیل دوستخواه - از گزارش استاد ابراهیم پورداود - انتشارات مروارید - چاپ چهارم - ۱۳۶۲
- ۳ - ایران از آغاز تا اسلام رومن گیرشمن - ترجمۀ محمد معین - شرکت انتشارات علمى و فرهنگى - چاپ هشتم - ۱۳۷۰
- ۴ - آیین مهر (متیرائیسیم) نوشته و پژوهش: هاشم رضی - انتشارات بهجت - چاپ اول - تابستان ۱۳۷۲
- ۵ - آیین میترا مارتن ورمازرن - ترجمۀ بزرگ نادرزاد - نشر چشمه - چاپ اول - تابستان ۱۳۷۲
- ۶ - تاریخ ایران ا.آ. گراتوسکی، م.آ. داندامایو و... - ترجمۀ از زمان باستان تا امروز کیخسرو کشاورزى - انتشارات پویش - چاپ اول - ۱۳۵۹
- ۷ - تاریخ مردم ایران دکتر عبدالحسین زرین‌کوب - مؤسسۀ انتشارات کشمکش با قدرت‌ها - امیرکبیر - چاپ اول - ۱۳۶۴
- ۸ - دانشنامۀ مزدیسنا دکتر جهانگیر اوشیدری - نشر مرکز - چاپ اول - واژه‌نامۀ توضیحى آیین زرتشت ۱۳۷۱
- ۹ - شناخت اساطیر ایران جان هینلز - ترجمۀ ژاله آموزگار - احمد تفضلی - کتابسرای بابل و نشر چشمه - چاپ اول - پاییز ۱۳۶۸
- ۱۰ - گزیده ریگ ودا به تحقیق و ترجمۀ دکتر سید محمدرضا جلالی نایینی - نشر نقره - بهار سال ۱۳۶۷